

## تأثیر تربیت دینی و اسلامی در عصر حاضر بر کودکان و نوجوانان

علی سلیمان نژاد<sup>۱</sup>، محدثه فرامرزی<sup>۲</sup>، سودابه سادات زارعی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی پیوسته آموزش الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه پردیس شهید رجایی ارومیه (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه غیرانتفاعی حافظ شیراز

<sup>۳</sup> دکترای مدیریت فناوری اطلاعات، دانشگاه علوم تحقیقات

### چکیده

دینداری یکی از عوامل موثر بر رفتار و نگرش انسان ها در جوامع گوناگون می باشد و از مفاهیمی است که پژوهشگران علوم اجتماعی و انسانی به آن بسیار توجه کرده اند و آن را عامل اساسی اجتماعی شدن و انسجام فکری و عملی می دانند. تربیت دینی و اسلامی عبارت است از فرآیندی تعاملی بین مربی و متربی که این فرایند به دنبال زمینه سازی جهت تکوین و تعالی فطرت انسان و شکل گیری هویت متربیان براساس نظام معیار اسلامی و هدایت آنها در جهت قرب الهی و کسب شایستگیهای لازم در همه ابعاد و مراتب حیات طیبه فردی و اجتماعی است. پژوهش حاضر با هدف بررسی چگونگی بهبود و اصلاح اجتماعی از طریق امر به معروف و نهی از منکر و به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. یافته های پژوهش حاکی از آن است که با تعلیم و تربیت صحیح می توان جامعه ای بالنده و پویا و صالح ساخت و در این میان والدین، مدرسه، جامعه و دوستان نقشی سازنده، اساسی و تاثیرگذار بر تربیت دینی کودکان و نوجوانان دارند. نگرش مذهبی والدین در تربیت دینی کودکان و نوجوانان تأثیر مستقیم داشته و رعایت آداب دینی از سوی والدین با تربیت دینی فرزندان آنها رابطه مستقیم دارد.

**واژه های کلیدی:** تربیت دینی، کودکان، نوجوانان، خانواده

## ۱. مقدمه

تعلیم و تربیت در زندگی بشر، مهمترین و اساسی ترین جنبه زندگی است. ویژگی جامعه سالم و توسعه یافته، صرفاً به داشتن موقعیت جغرافیایی خوب و معادن گوناگون و منابع مالی نیست، بلکه جامعه سالم و توسعه یافته، جامعه ای است که نظام تعلیم و تربیت پویا، با نشاط، زنده و مترقی دارد. چنین نظامی می تواند انسانهای آزاد، مستقل، دینی، اخلاقی و مبتکر بسازد که جامعه را به سامان مادی و تعالی معنوی برساند [۱].

محقق شدن اهداف آفرینش انسان، تنها در پرتو تعلیم و تربیت امکانپذیر است. از این رو خداوند نیروی عقل و ابزار معرفت به انسان عطا کرده و پیامبرانی را با دلائل روشن و احکام متین فرستاده و رسالت سنگین تعلیم و تربیت انسان را به آنان واگذارده است. به همین دلیل تعلیم و تربیت از مهم ترین بخش های تعلیمات و معارف ادیان الهی بخصوص اسلام شناخته می شود. [۲]

انسان در سایه تربیت صحیح است که به عنوان موجودی با هدف و اندیشمند امکان دستیابی به اهداف و آرمان های خود را داشته و به سعادت خواهد رسید. از این رو تربیت اسلامی برای انسان مسلمان ضروری بوده؛ زیرا که وقتی انسان گردنبدن مرواریدی که دانه های آن دین و بندگی خالق متعال است را برگردن آویخته، جز در پرتو تربیت صحیح اسلامی به مدال افتخار عبودیت و تسلیم نائل نمی آید.

مراد از تربیت دینی این است که کودک و نوجوان مسلمان به گونه ای آموزش ببیند و تربیت شود که بالمآل شخصیت او با اهداف دینی مطرح شده در قرآن شریف و روایات همگونی داشته باشد و نهایتاً آنگونه شود که بتوان او را مسلمان به معنای واقعی کلمه دانست. در این اصطلاح، تربیت دینی محدود به مسائل اعتقادی، معنوی و یا اخلاقی نمی شود، بلکه رفتار و اندیشه آدمی را در سایر ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، عاطفی و هیجانی نیز در بر می گیرد و در یک کلمه شخصیت انسان را پوشش می دهد. [۳]

کودکان و نوجوانان امروزه عهده دار مسئولیت های فردا خواهند بود، پس هرگونه سرمایه گذاری در جهت شناخت عوامل مؤثر تربیت و ریشه های مذهبی آنان در واقع یک سرمایه گذاری اساسی محسوب می شود که سلامت جامعه فردا را تضمین خواهد کرد. جامعه اسلامی ما در حال گذر از یک جامعه سنتی به یک جامعه در حال توسعه است. این عامل در تغییر ساختار نظام ارزشی جامعه تأثیرگذار است، علاوه بر این با گسترش هر روزه وسایل ارتباط جمعی مثل ماهواره و اینترنت، عموم مردم به خصوص نسل جوان در معرض خطرات روزافزونی هستند و با توجه به اینکه در حال حاضر با مشکلاتی در باز تعریف نظام ارزشی روبرو هستیم، وظایف مسئولین آموزشی بسیار افزوده شده است

خانواده به عنوان نهادی مهم، کلیدی و کانون رشد و آرامش بشری است که بر اساس طبیعت و فطرت الهی و نیازهای جسمی و روحی تشکیل می شود و انسان راه کمال خود را از این طریق می پیماید. در آیات و روایات نیز بر نقش تربیتی نهاد خانواده تأکید فراوان شده است و استحکام آن در جهت رفع دغدغه های والدین، ضروری است. [۴] در این میان والدین نقش اصلی را برعهده داشته و باید بکوشند تا فرزندان از سر میل و رغبت درونی به تجربیات خود دست یابند به صورتی که بتوانند فطرت خداجوی خود را کشف کنند. از این رو والدین به عنوان الگوهای زندگی کودکان و نوجوانان، می توانند احساسات، علایق، ویژگی های مثبت اخلاقی و ارزش های دینی را به آنها منتقل کنند

## پیشینه تحقیق

در این گفتار به اختصار به بیان مطالعات و تحقیق هایی که در این زمینه انجام گرفته است، می پردازیم :

شاکری نیا (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان « تربیت دینی با تأکید بر نقش مهم خانواده » به این نتیجه رسید که خانواده های بدون مذهب اساساً نیازی به غنی سازی پایه‌های اعتقادی فرزندان خود نمی‌بینند. این در حالی است که خانواده‌های مذهبی برای استحکام و تقویت پایه‌های اعتقادی فرزندان خود راه کارهایی را جست‌وجو می‌کنند تا به این وسیله، بخشی از حقوق فرزندان خود را تأمین کنند .

آقامحمدی و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان بررسی نقش والدین در هدایت فرزندان به نماز جماعت و مسجد که بر روی ۳۶۰ نفر از دانش‌آموزان صورت گرفته است، به نقش مهم و بی‌بدیل والدین در هدایت و جذب فرزندان خود به فریضه الهی نماز اشاره کرده‌اند.

نتایج مقاله ای با عنوان " همگامی مشترک در خانواده و دینداری جوانان شهر یزد "از حاجی زاده، میمندی (۱۳۸۹) نشان داده است که بین متغیر وابسته دینداری و متغیر مستقل همگامی مشترک در خانواده رابطه معناداری برقرار است. این رابطه مستقیم و مثبت است به طوریکه با زیاد شدن میزان همگامی مشترک در خانواده، دینداری جوانان نیز بالا میرود.

جواد آقا محمدی، (۱۳۹۲)، در مقاله ای با عنوان " بررسی نقش الگوی تربیتی والدین در تربیت دینی فرزندان " به نتایج زیر اشاره کرده است. یافته های پژوهش نشان میدهند که نگرش مذهبی والدین در تربیت دینی فرزندان تأثیر مستقیم داشته و رعایت آداب دینی از سوی والدین با تربیت دینی فرزندان آنها رابطه معناداری دارد. نتایج پژوهش رابطه بین ساده زیست بودن والدین با تربیت دینی فرزندان را در سطح قابل قبولی نشان داد. همچنین بین سطح سواد والدین و تربیت دینی فرزندان آنها اختلاف معناداری مشاهده نشده است.

یافته های پژوهش قاسم زاده و سلیمانی (۱۴۰۱) در بررسی تربیت اسلامی و عوامل تاثیرگذار بر گرایشات دینی کودکان، نوجوانان و جوانان نشان داد والدین و مربیان پرورشی و تربیتی در مدارس تنها با ایمان و اعتقاد راسخ خود نسبت به مبدا آفرینش و شناخت و تهذیب نفس خویش و آشنایی لازم با روان و شخصیت فرزندان و شناخت اصول و مبانی تعلیم و تربیت اسلامی قادر هستند فعالیت های کودکان، نوجوانان و جوانان را در زمینه های احساسی، عاطفی، اخلاقی، آموزشی، دینی و همچنین روابط صحیح وی با همسالان و دیگر افراد اجتماع، رهبری و هدایت نمایند. آنان بدین وسیله می توانند برای تحقق بخشیدن به آرمان های متعالی تعلیم و تربیت اسلامی، در جهت سازندگی شخصیت کودکان، نوجوانان و جوانان که آینده سازان و سرمایه های عظیم و آینده ساز کشور اسلامی هستند، گامی به پیش نهند.

## روش تحقیق

پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر تربیت دینی و اسلامی در عصر حاضر بر کودکان و نوجوانان، به شیوه توصیفی و از نوع کتابخانه ای انجام شده است و با توجه به روش پژوهش، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی می باشد.

## یافته های تحقیق

تربیت در لغت از ماده "ربا" به معنی "زاد و نما" ، "نمو" گرفته شده است. همچنین تربیت از کلمه "رب" به معنی مالک، سید و مربی اشتقاق می یابد و اینگونه معنی می شود: انجام وظیفه کردن به شیوه نیکو و پسندیده. با در نظر گرفتن مفهوم لغوی، تربیت عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت، تا بتواند استعداد های نهفته اش را در تمام ابعاد وجودی خویش به طور هماهنگ پرورش داده و شکوفا سازد و به سوی هدف و کمال مطلوب، به تدریج حرکت کند. به طور کلی مقصود تربیت فرزند به طور خاص آن است که مربی، اعم از پدر و مادر، معلم و... فرزندان را در بعد روحی و اخلاقی در جهت سعادت و کمال مطلوب پرورش دهد به گونه ای که جسم و جان و عقل و علم او افزایش یابد و در این باره به طوری انجام وظیفه نماید که آنچه به مصلحت اوست از امور مربوط به دین و دنیای وی، انجام پذیرد. [۵]

سالیان سال، مردم، تعلیم و تربیت را تنها بر مبنای آموزه های فلسفی و اخلاقی بنا می نهادند و می کوشیدند که به هر روش ممکن، به اهداف و غایات ترسیم شده در فلسفه و اخلاق برسند. اهدافی که در غالب فرهنگ جهت رسیدن به اهداف تربیتی، باید موضوع تربیتی، باید موضوع تربیت، یعنی انسان- که موجودی پیچیده و ذو ابعاد است- را بیش از پیش بشناسند، پس با این ذهنیت و با توجه به پیشرفت دانش بشری در زمینه های زیست شناسی جامعه شناسی و روانشناسی، تأثیر این علوم در تعلیم و تربیت، روز به روز بیشتر و آشکارتر شد. البته روشن است که هیچ یک از این دانش ها به صورت مستقل و مستقیم، تعلیم و تربیت نیست، بلکه وسیله ایست برای هموار نمودن راه تربیت.

تربیت فرزند محصول عوامل مختلفی است از جمله: [۳]

## ۱. وراثت:

موجودات زنده ویژگی ها خاصیتی را از والدینشان به ارث می برند.

## ۲. ساختار اجتماعی:

محیط اجتماعی مجموعه هایی نظیر مدرسه، دانشگاه، همسالان، رسانه ها و مطبوعات را در بر می گیرد.

## ۳. محیط طبیعی:

گروهی از دانشمندان قدیم و جدید و تاثیر آب و هوا در تربیت و شخصیت فکری-روحی آدمیان تاکید دارند.

## ۴. نظام آموزش و پرورش:

تربیت را از یک منظر می توان به ابعاد رسمی و غیره رسمی تقسیم نمود منظور از تربیت رسمی برنامه ها و فعالیت هایی است که نهاد آموزش و پرورش آگاهانه درباره فراگیران انجام می دهد که سازمان و تشکیلات قوانین و مقررات برنامه های آموزشی و فعالیت های مکمل و فوق برنامه است.

**۵. اراده خودساز شخصیت:**

یکی از خصایص منحصر به فرد آدمی آزادی و اراده به کارگیری آن در موقعیت های زندگی است در نگاه علامه طباطبائی آزادی ناشی از یک اصل طبیعی و تکوینی به نام اراده است که در نهاد انسان به ودیعه گزارد شده تا انسان ها را به عمل وا دارد.

**۶. خانواده :**

در دوران کودکی خانواده بیش از هر عامل دیگری در تکوین شخصیت کودک اثر گذار است به گونه ای که می توان آن را عاملی بی دلیل نامید.

**مبانی تربیت**

مبانی تربیت به سه دسته کلی فلسفی ، علمی و اسلامی تقسیم بندی می شود :

**۱. مبانی فلسفی****۲. مبانی علمی****۲-۱. مبانی زیست شناسی**

نخستین جنبه وجودی انسان، جنبه طبیعت و جسم اوست که در تربیت او باید ساختمان و شکل خاص جسمی، ویژگی های اعضا و رشد تکوینی او در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر، انسان ، پیش از هر چیز ، یک موجود زنده است، پس از قوانین عمومی زیست شناسی مستثنا نیست و شرایط زیستی ویژه خود را نیز داراست و زیست شناسی، دانشی است که درباره موجودات زنده و شیوه زندگی آنها و ساختار جسمی آنان بحث می کند زیست شناسی به دو شاخه اصلی ، زیست شناسی جانوری و زیست شناسی گیاهی تقسیم می شود.

انسان، موجود زنده ایست که در دسته جانوران قرار دارد که ویژگی های جسمی و هوشی او، او را متمایز ساخته و جنبه های متعالی روحی و عقلی، او را منحصر به فرد نموده است. تقریباً ، تمام مکتب های تربیتی دنیا، اشاره ای به بعد طبیعی و جسمی (زیستی) انسان دارند. اما میزان این توجه متفاوت است. برخی از مکتب ها، جنبه های زیستی و طبیعی بشر را به اندازه ای مهم و خطا ناپذیر می دانند که معتقدند با هیچ یک از انگیزه ها و غریزه های انسان نباید مخالفت شود و هرگونه محدودیت را مانع شکوفایی بشر می دانند.

در این مکتب که اصطلاحاً به مکتب طبیعی شهرت یافته است، نکات مثبتی دیده می شود، مانند: توجه کامل به مراحل رشد جسمی و مغزی انسان و تطبیق مراحل تربیت با مراحل رشد. اما افراط در اعتماد به خواسته های بشری ، موجب شده است که برخی از نیازهای او از جمله نیازهای روحی و معنوی در حاشیه قرارگیرد، از طرفی سازگاری اجتماعی را به شدت کاهش می دهد و آنچنان به فرد اصالت می دهد که اجتماع از هم می پاشد. بنابراین می توان گفت که آگاهی از دانش زیست شناسی ، در تربیت لازم است، اما تمام تربیت نیست بلکه می توان بهره های مناسبی از آن برد . [۶]

## ۲-۲. مبانی روانشناسی تربیت

علم روانشناسی، عبارت است از: علم تظاهرات روح انسان، تحقیق کیفیات روحی، تجسس و مطالعه در مسائل روانی، مطالعه اعمال ذهن: مانند درک، حافظه، اندیشه، حس و چگونگی حالات و اعمال و رفتار انسان، و اینکه درد و رنج و ناآرامی یا نشاط و لذت، و محبت یا نفرت، و خشم و ترس، یا خطا و جرم و جنایت به چه سبب و چگونه در کسی بروز می کند.

## شاخه های مختلف روانشناسی :

- روانشناسی رشد: مطالعه مستمر رشد از زمان تشکیل نطفه تا دوران بلوغ و نوجوانی.
- روانشناسی شخصیت: مطالعه ابعاد مختلف شخصیت، جنبه های ادراکی، هیجانی، ارادی و بدنی افراد
- روانشناسی اجتماعی: مطالعه تعامل فرد و اجتماع، معیارها و هنجارهای اجتماعی، مناسبات بین گروهی، باورهای عام، تکوین بازخوردها و تغییرنگرش ها و نقش رسانه های گروهی
- روانشناسی بالینی: مطالعه ویژگی های شخصیتی، اختلالات عاطفی و مشکلات رفتاری افراد و بهره گیری از ابزارهای روان شناختی برای درمان آنها.
- روانشناسی مرضی: مطالعه اختلالات عاطفی و رفتارها و بیماری های مختلف روانی و استفاده از روشهای متداول در جهت حفظ بهداشت روانی
- روانشناسی کودکان استثنایی: مطالعه ویژگی های جسمی، روانی، حسی، حرکتی، شناختی و اجتماعی کودکان عقب مانده ذهنی، نابینا، نیمه نابینا، ناشنوا و نیمه ناشنوا، ناسازگار، مصروع کودکان معلول، دانش آموزان مبتلا به اختلال در یادگیری و کودکان و نوجوانان تیزهوش.
- روانشناسی تربیتی: مطالعه اصول و قوانین روانشناسی در قلمرو تعلیم و تربیت از قبیل روشهای مختلف یادگیری، انواع یادگیری و قوانین آن، فرایند تفکر و اندیشیدن، یادآوری و به یاد سپاری، حافظه، فراموشی، هوش و انگیزش، سنجش و اندازه گیری و... . اگر چه «روانشناسی تربیتی» به عنوان مهم ترین و کاربردی ترین رشته روانشناسی در خدمت تعلیم و تربیت قرار دارد، اما تعلیم و تربیت از رشته های مختلف روانشناسی مانند روانشناسی رشد، روانشناسی شخصیت، روانشناسی اجتماعی و .. بسیار بهره می برد

## ۲-۳. مبانی جامعه شناسی تربیت

علم جامعه شناسی عبارت است از: مطالعه روابط بین افراد و گروهها و طبقات اجتماعی و علمی که درباره گروههای مختلف بشری و عادات و اخلاق و آداب و رسوم آنها بحث می کند. از آنجا که یکی از اهداف تعلیم و تربیت، تهیه مقدمات سازگاری دانش آموز با شرایط محیط اجتماعی است، پس شناخت محیط اجتماعی و مقتضیات آن، درهراقدام تربیتی لازم و ضروری است. انسان موجودی اجتماعی است و در هیچ دوره ای از زندگیش، بریده و بی نیاز از اجتماع نیست، بنابراین تعلیم و تربیت صحیح باید ناظر به بعد اجتماعی انسان و آماده نمودن او برای ایجاد ارتباط صحیح و تعامل سودمند با اجتماع باشد. جنبه دیگر تربیت، ایجاد و تقویت تحلیل و نقد فرهنگ و رفتارهای اجتماعی در دانش آموزاست، یعنی دانش آموزی که صحیح تربیت شده باشد، هم تعاملی انسانی و متعادل با همسالان و هم نوعان خود دارد، هم می تواند اشتباهات و افراط و تفریط های آنان را تشخیص داده و در برابر جریانهای اجتماعی، منفعل و پیرو محض نباشد. در مبانی جامعه شناسی تربیت، به

اجتماعی بودن انسان، لزوم پذیرش جامعه و پذیرفته شدن در اجتماع توجه می شود و با روشهای مناسب، روحیه جمعی و فعالیتهای گروهی و احساس مسئولیت پذیری و قانونمندی دانش آموز تقویت می شود.

### ۳. مبانی اسلامی

#### ۳-۱. عبادت

عبادت یعنی «انجام کاری به انگیزه و قصد تقرب الی الله» بنابراین روح عبادت و انگیزه اصلی آن قرب الهی است. در اصطلاح عبادت بر دو نوع است: عبادت خاص و عبادت عام. عبادت خاص صرفاً شامل اعمال شرعی خاصی نظیر نماز و روزه می شود که در اصطلاح علم اصول «تعبدی» مقابل «توصلی» نامیده می شود. اما عبادت عام به معنای «هرگونه عملی است که به انگیزه قرب الهی انجام می گیرد» که در حقیقت شامل معنای عبادت خاص نیز می شود. در نتیجه عبادت به عنوان یگانه راه رسیدن به قرب الهی بوده و هرگونه عملی که مقدمه قرب باشد مانند گرایشها و تمایلات دارای کمال مقدماتی است. [۷]

#### ۳-۲. بینش و بصیرت

بصیرت در لغت به معنای بینش و بینایی است و در اصطلاح روشن بینی در دین است. چون بصیرت چراغ راهی است که در تاریکی ها راه را بر انسان روشن می سازد و او را از خطر افتادن و لغزش نگه می دارد. برای کسب بصیرت در دین باید در دو ناحیه تلاش کرد:

۱. **ناحیه علم و آگاهی:** آشنایی و آگاهی هر چه بیشتر انسان با معارف و آموزه های دینی و الهی و با محتوای پیام خداوند و قرآن کریم و گفتار و عمل و سیره معصومین منجر به فراهم شدن زمینه بصیرت و روشن بینی در دین برای افراد می گردد. در این زمینه مطالعه و تفکر در اصول اعتقادی به این امر کمک می کند.

۲. **ناحیه عمل و بکار بستن آگاهی ها:** عمل به هر آنچه از آموزه های دینی فراگرفته شده است بخصوص انجام واجبات و ترک محرمات که درجه ای از تقوی و پرهیزگاری می باشد، نقش موثری در دستیابی به بصیرت و روشن بینی دارد و اصولاً بصیرت از آثار مستقیم تقوا و پرهیزگاری است. [۸] بنابراین تربیت اسلامی مستلزم عمل گرایی و برخورداری از روحیه تلاش و فعالیت و مجاهدات در راه خداست

#### ۳-۳. علم و دانش

می توان بطور خلاصه علم را چنین تعریف نمود: «حضور شیء یا صورت آن نزد عالم». حضور خود شیء در علم حضوری است و حضور صورتش در علم حصولی. [۷] بنابر تعریف دیگر علم نقطه مقابل جهل و به معنای وضوح و ثبوت چیزی آمده است. از نظر اسلام علم فریضه ای است که دارای هیچ محدودیتی از نظر معلم و فراگیر و زمان و مکان نیست و این برترین سفارشی است که می توانسته بشود. [۹]

## ۳-۴. تفکر و تعقل

تفکر به معنای «رسیدن به مجهول و حل آن از طریق معلومات متناسب» در اسلام پایگاه ارزشمندی دارد. از نظر اسلام انسان با کمک گرفتن از عقل و اندیشه خود می تواند به عمق مسائل پی ببرد. تاکید قرآن و روایات نیز بر پرورش این توانایی و استفاده از آن، نشان از نقش موثر عقل در فهم و درک حقایق و تکالیف دینی دارد. در صورتی که به این شاخص زیربنایی توجه نشود، ریشه ها و بنیه اصلی دینداری دچار ضعف و سستی خواهد شد.

## ۳-۵. ولایت پذیری

ولایت از ماده ولی به معنای قرار گرفتن چیزی در کنار چیز دیگر است به نحوی که فاصله ای در کار نباشد، یعنی اگر دو چیز آنان چنان به هم متصل باشند که هیچ فاصله ای در میان آنها نباشد ولی به کار برده می شود. [۱۰] در تعریف دیگر ولایت به معنی تصدی و صاحب اختیاری است و از نظر اسلام دو نوع ولایت وجود دارد:

۱. ولایت منفی که اجتناب از همدلی با کفار و منافقان و طاغوت است.
۲. ولایت مثبت که در راستای ولایت الهی است.

مفهوم ولایت پذیری به معنای تسلیم بی قید و شرط در برابر نظام حاکم و زور پذیری نیست، بلکه به معنای قبول حاکمیت علم و عدالت و مشارکت برای تحقق شایسته سالاری و اشراف نخبگان ذی صلاح بر زمام امور جامعه است. این شاخص بویژه در جوامعی که در گذشته از حاکمیت زورگویان و دیکتاتورهای رنج برده است و خود به خود روحیه ای ضد نظام سلطه و زورگویی در لایه های درونی و ذهنی جامعه شکل گرفته است، از اهمیت ویژه ای برخوردار است و ضروریست تعمیق و تعمیم ولایت پذیری مبتنی بر بصیرت و معرفت و تعقل و نقادی در جامعه انجام پذیرد.

## ۳-۶. تعهد و مسئولیت شناسی اجتماعی

مسئولیت اجتماعی و احساس وظیفه در برابر جامعه از مهم ترین شاخصه های تربیت اسلامی به شمار می آید. مسئله امر به معروف و نهی از منکر که برگرفته از رابطه برادری اسلامی است و لازمه حفظ و حراست از حدود الهی در جامعه را بر عهده دارد، نشان دهنده اهمیت این شاخص است. اسلام فرد را هم در برابر خودش و خداوند و هم در برابر اجتماع مسئول و متعهد می داند. امر به معروف و نهی از منکر همین است که: «ای انسان تو تنها از نظر شخصی و فردی در برابر ذات پروردگار مسئول نیستی تو در مقابل اجتماع خویش هم مسئولیت و تعهد داری.» [۱۰] انفاق و تأمین مایحتاج نیازمندان آن هم بدون منت و آزار روحی به آنان، اصلاح بین مردم در منازعات و اختلافات و توجه به یتیمان و افراد بدون سرپرست از مصادیق دیگر این شاخص مهم است که در آیات قرآن بر روی آن تأکید شده است.

## نقش خانواده در تربیت دینی کودکان و نوجوانان

موضوع دین و دین داری از نظر اسلام به عنوان یک مسئله فطری و اجتماعی جز لاینفک زندگی بشری بوده است. دین از نظر کارکردهای اجتماعی نیز همچنان دارای اهمیت است، و بر خلاف این تصور که در جوامع مدرن دین در حاشیه قرار گرفته



است، لازم به تذکر است که دین در این جوامع نه تنها کنار گذاشته نشده بلکه از جهت کارایی به تنوع بیشتری نیز دست یافته است.

دینداری دارای کارکردهای دورنی و بیرونی است. از نظر کارکرد درونی در تحقیقات این نتایج بدست آمده است که افراد مذهبی از نظر سلامت روانی نسبت به دیگر افراد در سطح بالاتری قرار دارند. بر اساس نتایج پژوهش موسسه بین المللی نظرسنجی گالوپ، پس از ملیت، همچنان مذهب، دومین عامل احساس هویت در جهان به شمار می رود. [۱۱]

در مبحث دینداری، نهاد خانواده اهمیت فراوانی دارد. و جامعه شناسان در تحقیقات مختلف خود در زمینه دینداری به نقش موثر خانواده در این مورد اشاره داشته اند. [۱۲]. عوامل مختلفی در تربیت فرزندان دخیل میباشند، به عنوان مثال نحوه رفتار و برخورد پدر و مادر با فرزندان در نخستین سالهای زندگی تأثیر زیادی بر نهادینه کردن الگوهای فرهنگی از جمله شکل دین داری دارد.

خانواده زمینه ساز شکل گیری بنیان های شخصیت فرزندان و عامل مؤثر در ایجاد تعادل روانی و نشاط روحی در آنان، مهم ترین عامل توسعه انسانی به دلیل پرورش انسان های کارآمد و مقاوم، مهم ترین محل بازپروری عاطفی و ایجاد کننده تعادل در روابط جنسی، زمینه ساز پویایی اقتصادی و عامل انتقال فرهنگ و ارزش ها به نسل بعدی است. خانواده واحد اجتماعی است که بر اساس پیوند زوجین پدید می آید و این پیوند یک پیوند ساده جنسی نیست؛ بلکه پیوندی است که مهمترین و پیچیده ترین روابط روانی و معنوی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در آن تجلی می یابد. به دلیل ماهیت چنین پیوندی است که خانواده به عنوان عامل رشد و تعالی روحی و روانی فرزندان و اعضای خود محسوب می گردد. در فرهنگ اسلامی نیز خانواده واحد اصلی جامعه است و به عنوان سیستم کوچک اجتماعی که زیر بنای جامعه بزرگتری را فراهم می کند و منشأ سعادت و شقاوت انسان از طریق ایفای نقش تربیتی در جریان رشد فردی است. در این میان تأثیر خانواده بر فرزندان به نحوی است که هر فردی آنچه را از خانواده اصلی خود اخذ کرده است با خود به نهادی و مکانی که وارد شود می برد؛ به عبارت دیگر فرد نمی تواند خود را از تمام آنچه که از خانواده کسب کرده، رهایی بخشد. به دلیل همین تأثیر غیر قابل انکار و پایدار خانواده بر روی فرزندان است که خانواده با این که در میان نهادهای جامعه از نظر اندازه کوچکترین نهاد است؛ ولی از نظر اعتبار و اثر بخشی والاترین، مهمترین و عظیم ترین نهاد اجتماعی است و به کانون اصلی انتقال ارزش های فرهنگی، اجتماعی، دینی و اخلاقی و بستری که هویت فرهنگی، دینی و ملی و سلامت روانی در آن شکل می گیرد، تبدیل شده است.

خانواده به عنوان مقدس ترین کانون بشری در ادیان مختلف الهی به شمار می آید که در آن انسان ها در کنار یکدیگر کامل شده و به رشد و بالندگی میرسند. از این رو اسلام نیز به والدین توصیه کرده فرزندان را از کودکی به نماز و روزه عادت دهید تا تقید به فرائض در بزرگسالی بر آنان دشوار نگردد. [۱۱]

### انواع الگوهای فرزندپروری

دیانا بامریند، از صاحب نظران و پیشگامان پژوهش در زمینه شیوه های فرزندپروری، با مشاهده طبیعی و زیر نظر گرفتن رفتار والدین و هم چنین مصاحبه و سایر روش های پژوهش، تعامل والدین با کودکان را مورد بررسی قرار داد. بر اساس نظریه بامریند اکثریت والدین یک از سه سبک آسان گیر، مستبدانه، مقتدرانه و قاطع را نشان میدهند که به کارگیری هر کدام از

این روش ها اثرات خاص خود را برجای می گذارد. در پژوهش های بعدی، مک کوبی و مارتین شیوه چهارم را با عنوان روش مسامحه کارانه و بی تفاوت به این دسته بندی افزودند

شیوه های فرزند پروری شامل دو معیار اصلی هستند: محبت و کنترل والدین. کنترل میزان سفت و سخت بودن قواعد و توقع والدین از فرزندانشان است. محبت نیز شامل صمیمیت، علاقه، مهربانی و عاطفه والدین است.

## ۱. الگوی آسان گیرانه

در این الگو، والدین آسان گیر نسبت به کودکان خود به صورت افراطی پذیرش و پاسخ دهی دارند اما در مقابل از کودکان خود توقعی نداشته و در آموزش رفتارهای اجتماعی به فرزند خود سهل انگار هستند. در این خانواده ها نظم و قانون خاصی حکم فرما نبوده و تهدید اعضای خانواده نیز به قوانین و آداب و رسوم اجتماعی بسیار کم است. والدین سهل گیر از نظر کنترل کودکان، بسیار ضعیف عمل کرده و اجازه می دهند تا کودک هر رفتاری که می خواهد داشته باشد. در این خانواده ها اعمال مقررات اهمال کارانه بوده و نهاد خانواده از هم گسسته است. این والدین از نظر انضباط کودک نیز دارای نگرش های متعارض هستند. عدم وجود خواسته های معقول و منطقی به همراه خودداری از ارائه دلیل و درگیر شدن با کودک همواره از ویژگی های این شیوه محسوب می شود.

در این الگوی فرزند پروری، فرزندان والدین سهل گیر بسیار ناپخته بوده و در کنترل تکانه هایشان دچار مشکل می باشند و در صورتی که لازم است کاری را برخلاف تمایلاتشان انجام دهند، با آن مخالفت کرده و بسیار پرتوقع بوده اند. چنین والدینی به امور تحصیلی فرزند خود بی توجه بوده و آنان را به حال خود رها می کنند. [۱۳]

والدین این گروه اطلاعات کمی در زمینه های مختلف از فرزندانشان دارند. آزادی عمل، بی احترامی به والدین، خود برتر بینی، بی بند و باری، لابلالی گری، سهل انگاری، خودخواهی و بی هدف از خصوصیات آن است. دین داری در چنین الگویی از آنجا که با هیچ آموزش و کنترلی برخوردار نیست کودکان را به سوی بی تفاوتی و سهل انگاری در تربیت دینی هدایت میکند و اگر فرزندی در چنین خانواده هایی مقید به آموزه های دینی باشند میتوان آن را یک استثناء دانست. والدین سهل انگار چون هیچ کنترل بیرونی بر فرزندان خود ندارند و اجازه میدهند هر کاری که تمایل دارند انجام دهند فرزندانشان بیشتر در معرض رفتارهای تکانشی و ضد اجتماعی قرار گیرند.

## ۲. الگوی مستبدانه

در روش فرزند پروری مستبدانه، والدین با توقع بالا و پذیرش پایین می باشند. این دسته از والدین قوانین خود را به شکلی غیر منعطف بر فرزندان تحمیل کرده و از منظر تربیتی بسیار خشن و تنبیه کننده هستند. ابراز محبت و صمیمیت آنها نسبت به فرزندان پایین بوده و امیال و خواسته های کودک خود را در نظر نمی گیرند. فرزندان چنین والدینی دارای عدم ثبات در تفکر و بوده و روحیه ناپایداری دارند و در برابر فشارهای روانی بسیار آسیب پذیرند. [۱۴]

در این شیوه فرزند پروری، والدین بسیار متوقع بوده و خواستار اطاعت بی چون و چرای فرزندان از خود می باشند و به ندرت دلائل خود را توضیح داده و اغلب موارد به زور متوسل می شوند. [۱۵] کودکانی که دارای والدین مستبد هستند، مضطرب و گوشه گیر بوده و وقتی با همسالانشان تعامل میکنند، در صورت ناکامی واکنشی خصمانه دارند

در این روش پرورشی، نسلی خشمگین، نگران و مضطرب، ترسو و افسرده و در یک کلام سرشار از احساس گناه و مبتلا به انواع آسیبهای اجتماعی خواهد بود. روشی که بی محبتی، سرزنش، انتقاد و سخت گیری استوار است. در این خانواده ها دستورات صادر میشوند، بدون آنکه هیچ توضیح، توجیه یا دلیلی برایشان مطرح شود. حسادت، انتقام، خودخواهی، خشونت، عصبانیت از جمله پیامدهای چنین الگویی است. طبیعتاً چنین خانواده هایی در تربیت دینی فرزندان خود نیز بسیار سخت گیر و به شدت آمرانه عمل میکنند. دین داری فرزندان در چنین فضایی متأثر از ترس و تنها برای جلب رضایت والدین است.

### ۳. الگوی مقتدرانه

والدینی که از این الگوی فرزندپروری پیروی می کنند، به فرزندان خود استقلال و آزادی فکری داده و در عین داشتن نوعی محدودیت و کنترل بر روی فرزندان، آنها را تشویق می کنند. در تعامل کودک و والدین در در خانواده هایی با والدین مقتدر، اظهار نظرها و ارتباط اخلاقی وسیع وجود دارد و گرمی و صمیمیت والدین نسبت به کودک در سطح بالاست. والدین قاطع و اطمینان بخش علاوه بر عهده دار شدن نقش پدر و مادری، مسئولیت تربیت فرزندان را نیز تقبل می کنند و همواره سعی می کنند که با کسب آگاهی های تربیتی بیشتر، فرزندان خود را به نحوی درست تربیت نمایند.

این روش بهترین شیوه تربیتی فرزندان و تعامل با آن ها است. والدین مقتدر درخواست های معقولی برای پختگی دارند و این درخواست ها را باتعین محدودیت ها و اصرار بر اینکه کودک باید از آن ها تبعیت کند، به اجرا می گذارند. این دسته از والدین در عین اینکه صمیمیت و محبت خود را به فرزندان ابراز می دارند، صبورانه به نظرات آنها نیز گوش فراداده و آنها را در تصمیمات خانوادگی نیز مشارکت می دهند. فرزندان والدین مقتدر از تربیت خوبی برخوردارند و همواره شاد و سرحال بوده و از موفقیت تحصیلی بالاتری نیز برخوردارند. همچنین والدین از لحاظ پاسخ دهی و توقعات نیز در سطح بالایی قرار دارند.

در این شیوه، محبت در کنار قاطعیت اعمال شده و خواسته های والدین با اهدافی مشخص تعیین شده و آنها دلائل رفتارهای خود را به فرزندان توضیح می دهند. در زمینه دینداری نیز این والدین با توضیح فواید و کارکردهای دین داری و بیان اثرات بی تفاوتی نسبت به اعمال دینی کودکان خود را با روشی منطقی و مستدل با شناختی بهتر به دین داری تشویق می کنند. فرزندان در چنین خانواده هایی از اعتماد به نفس و استقلال بالا و غیر هیجانی برخوردارند. والدین با شیوه فرزند پروری اقتدار منطقی دارای فرزندان بهنجار بوده که مستقل هستند و برای رفتارهای خود اندیشه می کنند [۱۶]

### ۴. الگوی مسامحه کارانه و بی تفاوت

در این روش، والدین از نظر پاسخ دهی و توقع در سطح پایینی بوده و هیچ درخواستی از فرزندان خود ندارند. آن چیزی که این والدین را از والدین سهل گیر متمایز می کند، این است که نسبت به فرزند خود بی مسئولیت بوده و کمتر به آنها میرسند و بیشتر بر نیازهای خود متمرکز می باشند.

### درونی کردن ارزش ها و نقش آن در تربیت دینی

آموزش ارزش ها همواره بخش مهمی از اهداف نظام های تربیتی است؛ زیرا این نظام ها به منزله بخشی اساسی از کار خود، در پی آن اند که فرهنگ و ارزش های آن را به نسل آینده انتقال دهند اما آنچه در این میان اهمیت بیشتری دارد، این است که چگونه می توان ارزش های مورد نظر را درونی کرد.

درونی کردن یک ارزش و فضیلت، عمیق ترین و پایدارترین پاسخ به نفوذ اجتماعی است. روان شناسان اجتماعی پاسخ افراد به نفوذ اجتماعی (تحت تأثیر قرار گرفتن رفتار فرد یا گروه از سوی دیگران) را به سه دسته مختلف تقسیم می کنند که عبارت اند از :

الف ( متابعت

ب ( همانندسازی

ج ( درونی کردن

متابعت در وصف رفتار فردی است که به منظور کسب پاداش و یا اجتناب از تنبیه برانگیخته شده باشد. در همانندسازی، فرد دیگری را برای خود الگو و سرمشق قرار می دهد و عملی که انجام می دهد برای کسب پاداش و یا اجتناب از تنبیه نیست، بلکه برای این است که با آن شخص همانند شود. اما مقصود از درونی کردن یک امر آن است که آن امر بخشی از وجدان شخص گردد به صورتی که نقض آن ارزش نزد شخص سالم، احساس خطا و شرم بوجود آورد و شخص تعهد وجدانی دارد که به آن احترام بگذارد.

پایداری درونی سازی از متابعت و همانندسازی بیشتر است، زیرا بر مبنای انگیزه شخص برای صحت آن است و مانند متابعت نیازمند نظارت دائم عاملان پاداش یا تنبیه نیست و یا مشابه با همانندسازی مشروط به احترام همیشگی برای شخص یا گروهی که با آن همانندسازی می کند، نیست. تاکید درونی سازی بر فعال کردن پذیرنده تربیت و خودجوشی، خودانگیختگی، خودیابی و خود رهبری است. در این حالت، مربی نقش اصلی را برعهده داشته و مربی می بایست نقش مددکار و مشوق را بر عهده داشته باشد.

کریمی در پژوهش « تربیت چه چیز نیست » می گوید: « عده ای تصور می کنند جریان تربیت باید از طریق ادامه آموزش ها، یاددهی ها و اطلاعات بیرونی شکل گیرد حال آن که تربیت، امری اکتشافی است نه اکتسابی. حتی اگر ما قصد آن را داشته باشیم که مربی را به سعادت واقعی خود برسانیم باید شرایطی فراهم آوریم تا سعادت خویش را در درون خود کشف کند نه آن که ما سعادت را از بیرون برای او ابداع و اختراع کرده و در اختیار او بگذاریم. »

دستیابی به تربیت از طریق اکتشافی، بسیار بادوام تر و اصیل تر از تربیتی است که از شیوه اکتسابی، تحمیلی و القابی بدست می آید. در صورت درونی شدن ارزش ها، آنها بدون نظارت و کنترل بیرونی و بدون وجود تشویق و تنبیه خود را نمایان کرده و در این صورت متعلم در ساخت اندیشه ها و رفتارهای خود مشارکت کرده و از آن ها با تعصب و اطمینان دفاع و حراست می نماید. [۱۷]

## شیوه های نهادینه سازی ارزشها

### ۱. پرورش روح حقیقت جویی

انسان ذاتاً حقیقت جوست و به دانایی و کاوش علمی گرایش دارد. حقیقت جویی، یعنی انسانی که طالب حقیقت است، در مسیری هدایت شود که بتواند برای رسیدن به حقیقت بکوشد، افکار دیگران را به درستی بشنود، به خوبی درک کند و با معیارهای دینی و عقلی بسنجد و بهترین را برگزیند.

## ۲. آگاهی بخشی به مبانی و اصول ارزشهای دینی و ملی در افراد

### ۳. شیوه قصه گویی

هنر قصه و داستان این است که با عاطفه و احساس انسانها درگیر می شود و برای بیان بسیاری از مسائل که اثبات آنها نیازمند استدلالی قوی است که نمی توان آنها را شرح داد، روش مناسبی است. در قرآن و روایات، قصه های زیادی وجود دارد که در ضمن آنها علاوه بر اینکه مفاهیم و دستوره های دینی به افراد آموزش داده می شود بر عبرت گیری از سرنوشت دیگران نیز تأکید می گردد. همچنین پرداختن به داستان ها، مثل ها و حکایات بیان شده در ادبیات ملی، یکی از بهترین روش ها برای انتقال و نهادینه سازی مفاهیم ارزش های ملی و قومیتی در بین افراد بخصوص نسل جوان می باشد.

### ۴. تمثیل و تشبیه

تشبیه، بیان شباهت موجود میان دو پدیده است و تمثیل، آنچه شهرت دارد و در یک فرهنگ از آن استفاده می شود نیز می توان گفت و تمثیل، ارائه نمونه یا مثالی است که افراد به آن گرایش می یابند و از آن تقلید می کنند. با تشبیه و تمثیل می توان برخی مفاهیم و ارزشها را قابل درک و فهم ساخت.

### ۵. رفق و مدارا

رفق و مدارا هر دو به مفهوم نرمی و ملایمت در رفتار با دیگران است. رفق در مورد دوستان و مدارا در مورد مخالفان استفاده می شود. مدارا و سعه صدر در برخورد با خطاهای افراد خانواده و پرهیز از تمسخر و ترک توبیخ در حضور دیگران، عدم تحمیل و سخت گیری و رعایت اعتدال، می تواند راهی برای نهادینه سازی ارزشها در اعضای خانواده باشد.

### ۶. تشویق

یک شیوه مناسب در ایجاد انگیزه به سوی کارهای مثبت، تشویق است. تشویق، یعنی ارائه یک محرک مطلوب که افراد را در جهت انجام دادن یک کار سوق دهد و در روح آنها ایجاد انگیزش کند و آنها را به انجام اعمال نیک ترغیب نماید. تشویق، قدردانی از یک عمل مثبت است تا بیشتر تکرار شود. در شیوه قرآنی، تشویق از جایگاه والایی برخوردار بوده و مقدم بر تنبیه است. [۱۸]

### ۷. الگویابی

از جمله شیوه های درونی شدن ارزش ها، زمینه سازی شرایطی است که در آن متربی با رغبت و تمایل، الگوهای خود را پیدا کرده و به طور خودجوش با آن چه که تمایل دارد، همانندسازی کند. این روش از آن جهت حائز اهمیت است که منجر به برداشته شدن دو مانع بزرگ از سر راه انسان می شود. از آنجا که این تفکر ممکن است بوجود آید که کسب کمالات اخلاقی امری دست نیافتنی است و یا در اغلب موارد راهکارهای عمل ناشناخته باشد، فلذا این موارد موجب سرگردانی و ناکامی آدمی

می شود. اما با پذیرفتن این الگو این دو مانع رفع شده؛ زیرا در آن صورت انسان می فهمد وصول به هدف همچنان که برای افراد مورد قبول او میسر شد، برای او نیز ممکن است.

در این راستا نقش الگویی معلمان و والدین نیز بسیار حائز اهمیت است. بکارگیری روش الگویی توسط والدین، اثرگذارترین شیوه در انتقال ارزش های اخلاقی و فرهنگی در خانواده است. وقتی فرزندان ارزش ها را به طور مجسم در رفتار و زندگی والدین خود می بینند، با عظمت و زیبایی و جاذبه آن ها آشنا می شوند. در این صورت درونی شدن و شکوفایی آنها در فرزندان نیز زمینه سازی می گردد. الگوگیری از رفتار و منش شخصیت های برجسته و مهم دینی و ملی در زندگی اجتماعی، خانوادگی و علمی آنها نیز می تواند به تقویت مفاهیم ارزشها در نوجوانان و جوانان کمک نماید. البته روش الگویی آسیب هایی نیز دارد که چه بسا اثر آن را خنثی می سازد مانند:

## ۷-۱. الگوگرایی تحمیلی

الگوگرایی تحمیلی یک فرآیند خودآگاه و کلیشه برداری از رفتارها و منش های دیگران است که بر مبنای ساختار درونی فرد نبوده و تنها اقدامی ظاهری به حساب می آید. هرچند معرفی الگوها و اسوه ها برای افراد ضروریست، اما این معرفی نمی بایست به صورت الگودهی اجباری باشد، بلکه می بایست زمینه ساز ترغیب و تسهیل نوجوانان به الگوهای متعالی بوده و باعث شود تا آنان در آرزوی همانندسازی با آنها باشند.

## ۷-۲. ناهمخوانی گفتار و رفتار

درونی شدن ارزش ها مشروط بر نفوذ آنها در حیطه رفتار است. توصیه های کلامی در صورت رعایت نکات روانشناختی موثر خواهد بود و عدم هماهنگی میان حرف و عمل، توصیه های و اندرزهای مربیان را بی اعتبار خواهد کرد.

## ۷-۳. تعارض الگوها

وجود تعارض میان الگوهای انتخابی و عدم تفاهم بین والدین منجر به سرگردانی متربی شده و چه بسا اعتماد خود را به برخی از ارزش ها از دست خواهد داد. این تضاد و تعارض بین نگرش ها در خانه و مدرسه و جامعه، باعث می شود متربی بر سر دو راهی قرار گرفته و در نهایت در دو چهره متفاوت به بازی در نقش بپردازد. [۱۷]

## ۸. عرضه مفاهیم

بازخوانی آموزه ها و درون مایه های فراموش شده و پرورش و پردازش فطریات به شیوه تذکر و پیام از دیگر راهکارهای درونی کردن ارزشهاست که در قرآن کریم از آن به عنوان خط مشی تبلیغاتی و تربیتی انبیا یاد شده است. درونی شدن این پیام ها به عوامل مختلفی بستگی دارد:

## ۸-۱. زمان شناسی در ارائه پیام

توجه به تغییرات و مقتضیات زمان در انتقال مفاهیم، در درونی سازی ارزش ها بسیار حائز اهمیت است. در صورت تغییر و تحول در ادبیات و فرهنگ جامعه، لذا ضروریست عرصه ها نیز متناسب با شعور حاضر تنظیم شود. اقوام بشر همیشه دارای دو ادراک و شعورند: شعور حاضر و کنونی و شعور ماضی و گذشته. بدیهی است که هر شعوری، تعبیر ویژه خود را می طلبد. بر

این اساس نمی توان شعور حاضر را با تعبیر گذشته تامین کرد . بنابراین نسل گذشته برای هدایت و رهبری نسل امروز می بایست در بستر زمان حال حضور داشته باشد و نیازهای نسل نوین جامعه را همواره مد نظر قرار دهد .

## ۸ - ۲. مخاطب شناسی در ارائه پیام

توجه به ظرفیت های عقلانی و تفاوت های فردی و در نظر گرفتن سطح درک و فهم مخاطب در هنگام ارتباط با مربی و انتقال پیام های تربیتی و تناسب محتوای کلامی با گنجینه فهم مخاطب، در پذیرش پیام ها نقش تعیین کننده ای دارد .

## ۸ - ۳. استفاده از شیوه مسئله مداری (ایجاد روحیه پرسش گری)

ایجاد زمینه در جهت شکوفایی استعداد های فرد و فعالیت های وی ، از دیگر شیوه های درونی سازی ارزش ها به شمار می آید . ضروریست مربیان زمینه ساز فرصتی شوند تا مربی خود به کشف و درک و استدلال بپردازد. والدین و معلمان همواره از تمرّد دانش آموزان و فرزندانشان خود از پابندی به ارزش ها سخن می گویند ، اما مشکل در این است که آنها اغلب تنها کاری که انجام می دهند نصیحت و تحمیل نظرات خود به فرزندانشان است .

از جمله راهکارهایی که در یادگیری پایدار موثر است ، بکارگیری شیوه طرح معما و سؤال و ایجاد بحران و مخمصه و ایجاد شور کشف و شوق دست یابی به حقیقت است. ویژگی سوال و معما این است که مربی را در جهت تفکر تشویق کرده تا خود در ساختن ترازهای عقلی و اخلاقی خود مشارکت داشته باشد . در استفاده از شیوه اکتشافی و طرح سؤال و معما، مربی با یک عامل درونی روبروست که با آگاهی از علت رفتار خود، به اعمال درست پی می برد . پرسش و طرح سؤال، وسیله ای مؤثر برای درگیر کردن ذهن انسانها در فرآیند کشف و ابداع پدیده ها است که از طریق پرسش های سازنده، مهارت های خودآموزی و خودفهمی پرورش می یابد. [۱۷]

## ۸ - ۴. توجه به آمادگی مخاطبان

مرتبط بودن نیاز درونی با پیام بیرونی از مولفه های مهم در درونی سازی ارزش ها به حساب می آید . در جهت تقویت رفتارهای ارزشی و قابل قبول ، شیوه های تحمیلی و اجباری نمی توانند آن طور که باید و شاید تاثیرگذار باشند . عدم توجه به میل و اراده و آگاهی افراد و استفاده از الگوهای ساختگی و فرمان دادن و تحمیل کردن و واداشتن و باز داشتن و در نهایت دخالت مستقیم ، مانعی در جهت خودیابی های درونی می باشد .

هر اندازه که دخالت و شکل دهی رفتار افراد از بیرون بیشتر باشد، خود رهبری و خود کنترلی که عامل مهمی در تربیت فعال شناخته می شود، خاموش می گردد. بنابراین فرزندان در اغلب خانواده هایی که در تمامی رفتارهای آن ها دخالت می کنند و یا سعی در شکل دادن افکار و حرکات و اعمال آن ها دارند، نه تنها آن طرح های بیرونی را درونی نمی کنند ، بلکه آنچه را در درون خود دارند نیز با شکل دهی بیرونی نادیده می گیرند . البته این سخن به معنای بی نظمی در تربیت و سلب مسئولیت از والدین و بی مبالاتی در امر خطیر تعلیم و تربیت نیست، بلکه در این گونه موارد ضرورت دخالت غیر مستقیم وجود داشته تا مربی، خود با پای خود راه کمال را طی کند .

## ۹. ایجاد عادات پسندیده

بوجود آوردن عادت های پسندیده در رفتارهای فراگرفته شده در فرزندان از دیگر شیوه های درونی کردن ارزشها در خانواده می باشد. هرچند در این باره دیدگاه های موافق و مخالفی ارائه شده اما استاد مطهری با تقسیم عادات به دو نوع فعلی و انفعالی به این امر پایان داده و نوع فعلی آن را ارزشمند دانسته و اظهار داشته است: «عادت فعلی آن است که انسان تحت تأثیر یک عامل خارجی قرار نمی گیرد، بلکه کاری را در اثر تکرار و ممارست بهتر انجام می دهد. هنرها و فنون، عادت است، همین نوشتن ما عادت است نه علم. حتی بسیاری از ملکات نفسانی، عادات فعلی است؛ مثل شجاعت. عادت، کاری را که بر حسب طبیعت برای انسان دشوار است، آسان می کند، ولی در عین حال باید عقل و اراده را آن چنان قوی نگه داریم که همان طور که اسیر طبیعت نیست، اسیر عادت هم نباشد». توصیه هایی که اسلام درباره عادت دادن انسانها به عبادت و فضایل انسانی و مکارم اخلاقی دارد، عامل نیرومندی در جهت استواری و استحکام پایه های ایمان و درونی کردن ارزشهای دینی به شمار می رود. [۱۷]. احترام گذاشتن به شخصیت های برجسته ملی در طول تاریخ، نگهداری مطلوب و حفظ آثار تاریخی به جا مانده از گذشتگان و التزام عملی داشتن به برگزاری جشن ها و مراسم ملی از جمله شب یلدا و جشن نوروز نیز می تواند نمونه ای از عادات پسندیده در جهت درونی شدن ارزشهای ملی باشد.

## نتیجه گیری

خانواده، اولین و مهم ترین محیطی است که کودکان و نوجوانان در آن از کیفیت روابط انسانی آگاهی می یابد. طبق تحقیقات بیشتر روان شناسان و جامعه شناسان، تربیت کودک در خانواده، زیربنای شخصیت و منش او را شکل می دهد. کودکان در محیط خانواده چنان پرورش می یابند که بتوانند راه و رسم زندگی والدین خود را دنبال کنند. والدین، واسطه انتقال آرمان های اجتماع به کودک هستند. آرمان های فرهنگی و تربیتی هر اجتماعی، تعیین کننده نوع و چگونگی آموزش هایی هستند که کودک باید فراگیرد. از آنجا که الگوها و آرمان های فرهنگی گوناگونی در یک جامعه وجود دارد، والدین نیز براساس الگوها و آرمان های فرهنگی تربیتی خویش، فرزندان را به شیوه های گوناگونی پرورش می دهند. کودک، فطرت توحیدی و عواطف اخلاقی و برای پذیرش تربیت آمادگی دارد؛ بنابراین، از همان ابتدای کودکی باید فضای معنوی و توجه به پروردگار در اطراف کودک حاکم باشد تا این حس فطری شکوفا گردد. کودکانی که از همان اوان کودکی، با ایمان به خدا تربیت می شوند، اراده ای قوی و نیرومند دارند؛ رشید و با شهامت رشد می کنند و در مشکلات خود را نمی بازند و با نیروی ایمان تمام گردنه های جاده دنیا را به سلامت می پیمایند.

## منابع

۱. محمدی، یحیی؛ کیخا، علیرضا؛ علیپور مقدم، خدیجه؛ طراحی برنامه درسی متعادل با رویکرد برنامه ریزی درسی فطری و معنوی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و چهارم، دوره جدید، شماره ۲۳، ۱۳۹۵
۲. صالحی، اکبر و مصطفی یاراحمدی؛ «تبیین تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه علامه طباطبایی با تأکید بر هدفها و روش های تربیتی»؛ دو فصلنامه تربیت اسلامی، سال سوم، شماره ۷، ۱۳۸۷، صص ۵۰-۲۳



۳. غلامی تازه کندی، محمود؛ (۱۳۹۸)، ضرورت آموزش تربیت دینی به فرزندان،  
<https://www.pana.ir/news/1008365>
۴. حاجی بابایی، حمیدرضا؛ «نقش خانواده در تربیت اسلامی»؛ ماهنامه پیوند، شماره ۳۹۷، ۱۳۹۱، صص ۳-۵
۵. محمدی، زکویه؛ "نقش پدر و مادر در پرورش و تربیت فرزندان"، پژوهشنامه اورمزد، شماره ۵۷، زمستان ۱۴۰۰
۶. اورج پور، مهدی، (۱۳۹۰)، مبانی تربیت و ابعاد آن، -<https://mahdimath-mazhab.blogspot.com/1390/03/15/post-13>
۷. کردان و همکاران (۱۳۸۲) فلسفه تعلیم و تربیت، ج ۱، تهران: سمت
۸. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰) ده گفتار، قم: صدرا
۹. مطهری، مرتضی (۱۳۶۱) مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۵، قم: صدرا
۱۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸) ولاء ها و ولایتها، قم: صدرا
۱۱. نوربخش، یونس؛ اویسی فردویی، قاسم، دین داری و الگوی تربیتی خانواده (بررسی تاثیرات خانواده بر رفتار دینی نوجوانان در شهر تهران)، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۷، شماره ۱، ۱۳۹۵
۱۲. توسلی، (۱۳۸۰)، جامعه شناسی دین تهران، نشر سخن.
۱۳. بیرامی، منصور؛ بهادری خسروشاهی، جعفر. (۱۳۸۹). ارتباط شیوه تربیتی والدین با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان راهنمایی مدارس شهر ایلخچی. فصلنامه علوم تربیتی. سال سوم، شماره ۱۰، ۲۱ - ۷
۱۴. هیبتی، خلیل؛ (۱۳۸۱). بررسی شیوه های فرزند پروری والدین و رابطه آن با شیوه های مقابله با استرس دانش آموزان دختر و پسر سال سوم دبیرستان های رشد زرقان پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز
۱۵. احدی، حسن؛ جمهری، فرهاد (۱۳۸۶). روان شناسی رشد (نوجوانی و بزرگسالی). انتشارات پردیس، چاپ چهارم،
۱۶. سجادی، مژگان (۱۳۹۲) مقایسه پرخاشگری با سبکهای فرزند پروری، مجله علمی سازمان نظام پزشکی، دوره ۳۱
- ش ۴
۱۷. سبحانی نیا، محمد؛ (۱۴۰۰)، راه های درونی کردن مفاهیم اخلاقی، مقاله تحقیقی مرکز تعلیمات اسلامی
۱۸. صف آرا، مریم؛ طریقی احسن، زهره؛ اخوی، اصغر؛ نهادینه سازی ارزشهای اخلاقی در کودکان، مجله مشکات، شماره ۱۳۹، ۱۳۹۷